با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

شهر قوچان نیازمند شهربازی است

شـــهر خوش آب و هوای قوچان که همواره مقصد گردشگران بسیاری است شهربازی ندارد؛ درحالی که جمعیت شهر جوان است و شهربازی می‌تواند مطالبه‌ای جدی باشد. چرا تاکنون یک شهربازی در یکی از پارک‌های شهر احداث نشده است.

سالاری از قوچان

تقاطع مدنی با خیابان نجف آبادی نیازمند سرعتکاه است

تقاطع خیابان شـــهید مدنی با خیابان شـــهید نجف آبادی به واسطه قرار گرفتن داروخانه شبانه‌روزی، استفاده رانندگان برای دورزدن از هر دو مسیر رفت و برگشت، قرار داشتن درمانگاه و بانک و وجود ناحیه مقاومت بسیج شهید بهشتی بسیار پرتردد است. با این همه هیچ علامت راهنمایی و رانندگی و سرعتکاهی در مســـیر وجود ندارد و همواره رانندگانی کـــه قصد خروج از خیابان شهید نجف‌آبادی به شهید مدنی جنوبی را دارند با خطر تصادف مواجه هستند همچنین کسانی که قصد دارند از مدنی شمالی وارد نجف‌آبادی شـــوند و نیز عابران پیاده‌ای که برای رسیدن به درمانگاه و داروخانه شبانه روزی از عرض خیابان رد می‌شوند در معرض خطر جدی هستند.

پرورش از تهران

طرح ساماندهی مسکن واجاره بها در صحن مجلس پیگیری شود

سؤال من از نمایندگان این اســـت که چه زمانی قرار است طرح ساماندهی مســـکن و اجاره بها در صحن مجلس پیگیری شود. همه ساله در محدوده فصل جابه‌جایی این بحث‌ها مطرح و پس از چندی به حال خود رها می‌شود. هم‌اکنون با وجود اینکه حقوق من نوعی تنها ۲۰درصد افزایش داشـــته است صاحبخانه کرایه را ۱۳۰درصد افزایش داده است. اگر وضعیت اینگونه پیش برود احتمال هرگونه نارضایتی در جامعه، هرج و مرج دربازار اجاره و درگیری فیزیکی مابین موجرین و مستأجرین متصور است.

فرهاد رمضانپور نادرگلی از ارومیه

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

فدراســـیون ســـوارکاری به وضعیت دوچرخه سواران رسیدگی کند

از فدراسیون دوچرخه‌سواری کشـــور درخواست می‌کنیم نسبت به وضعیت دوچرخه‌سواری درکشور حساس باشد و به دوچرخه سواران رسیدگی کند. به‌خصوص توجه به مسائل تیم‌های ملی و برپایی اردوهای آمادگی داخلی و جهانی را مدنظر قرارداده و فرصت بالندگی به دوچرخه سواران بدهد.

شعیبی از تهران

برای دریافت دیه، سال‌هاســـت پیگیـــرم ولی نتیجه‌ای نگرفته‌ام

پدر و ولـــی‌دم موضـــوع پرونـــده ای درداد‌یـــاری اجرای احـــکام دادســـرای شهرســـتان ســـبزوار هســـتم و سال‌هاســـت برای دریافت دیه مکاتبـــه و پیگیری کرده و به جایی نرسیده‌ام.

ازسال ۱۴۰۰بعد از تأکیدات دفتر ارتباطات مردمی ریاست محترم قوه قضاییه امیدوار شـــدم که این مسئله حل شود باهمه تأکیدات صورت گرفته به زیر مجموعه‌ها برای رعایت قانون و حقوق مردم، کارها به ســـامان نیست. از مسئولان قوه‌قضاییه تقاضای رسیدگی و تعیین تکلیف دارم.

ولی دم از سبزوار

تابلوهای تصویری داخل قطارهای مترو همیشـــه روشن باشند

ضمن تشـــکر از زحمات مســـئولان مترو پیشنهاد می‌کنم جهت رفاه حال و رعایت حقوق شهروندی عزیزان روشندل و ناشنوا، تابلوی تصویری نشان‌دهنده ایستگاه‌ها در داخل قطارها و همچنین سیستم گویا و از پیش ضبط شده مترو که ایستگاه‌ها را اعلام می‌کند به‌طور مرتب فعال باشد تا این دسته از شهروندان هم بتوانند با خیال راحت و بدون کمک گرفتن از دیگران از خدمات مترو استفاده کنند.

رنجبر از تهران

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

نرخ خرید گندم پاسخگوی حداقل هزینه‌ها هم نیست

ســـال گذشـــته دولت نرخ خرید تضمینی گندم را ۱۲هزار تومان اعلام کرد و امســـال با افزایش ۲۰درصدی این رقم را به ۱۵هزار تومان رسانده اســـت؛ این در حالی است که از سال گذشته تاکنون در موارد بسیاری ازجمله مواد غذایی، مســـکن، خودرو، هزینه‌های تولید گندم و سایر بخش‌های جامعه همگی شـــاهد تورم صد درصدی و در بعضی موارد بیش از صددرصدی بوده‌ایم. اینها در شرایطی است که دولت برای واردات گندم بی‌کیفیت باید حداقل کیلویی ۳۰هزار تومان هزینه پرداخت کند! چرا حاضر نیستند رقم معقولی به کشاورز بپردازند تا باعث ایجاد انگیزه و ماندگاری‌شان در روستاها شود اما به جایش این همه مراحل را طی می‌کنند که به دو برابر قیمت تضمینی خرید گندم، نوع خارجی آن را وارد کنند.

شکوهی راد از ملایر

خانه‌های میدان بهشت منطقه ۱۶نیاز فوری به بازسازی دارند

خانـــه‌ای در ۱۸متـــری تختـــی نزدیـــک میدان بهشـــت منطقه۱۶داریم که قدمت آن حدود ۸۰سال است. از ۹سال پیش راه‌آهن خانه‌های ما را حریم ریل درنظر گرفته که این اقدام با توجه به قانونی که سال ۵۶وضع شد و قرار بر خارج کردن راه‌آهن از محدوده شهری شد، منافات دارد. جدای از اینها در نتیجه رفت‌وآمد مرتب قطار و سر و صدا و لرزشی که ایجاد می‌کند، خانه‌های مـــا ترک خورده و هر لحظه ممکن اســـت فرو بریزد و فاجعه‌ای به بار بیاورد. ترس وقوع زلزله و ویرانی این خانه‌های فرسوده هم نگرانی دیگری است که مدام با ماست. اجازه بازسازی و نوسازی هم نداریم و مانده‌ایم بلاتکلیف که بالاخـــره با ملک‌مان چه کنیم. از مســـئولان درخواست داریم یا اجازه نوسازی منازلمان را بدهند و یا با قیمت روز و منصفانه آنها را از ما خریداری کنند.

فلاحتی از تهران

اصل ماجرا

جزئیات قتل عضو مجلس خبرگان رهبری در بابلسر

انتقام اشتباهی نگهبان بانک

گزارش

جواد عزیزی
روزنامه‌نگار

از ظهر دیروز خبر قتل آیت‌الله عباســـعلی ســـلیمانی، نماینده سابق ولی‌فقیه در استان سیستان و بلوچستان و عضو مجلس خبرنگان رهبری در شهرســـتان بابلسر به سرعت فضای مجازی و رسانه‌های خبری را پر کرد. برخی می‌گفتند که عضو مجلس خبرگان رهبری توسط فرد ناشناسی به رگبار بسته شده و برخی از رسانه‌ها هم تلاش می‌کردند این حادثه را با ماجرای حجاب پیوند بزنند و اینطور به مخاطبانشـــان القا کنند که نماینده مجلس خبرگان هنگام تذکر بـــه حفظ حجاب هدف حمله فردی ناشناس قرار گرفته و به قتل رسیده است.

حال آنکه پیگیری‌های خبرنگار همشـــهری از پلیس استان مازندران از این حکایت دارد که آیت‌الله سلیمانی قربانی درگیری میان معاون و نگهبان یکی از بانک‌های ملی در بابلسر قرار گرفته و به‌طور اشتباه با شلیک گلوله جان باخته است. اما این ماجرا چطور رخ داد.

بررســـی‌های پلیس که پس از این حادثه با حضور در بانک، عامل جنایت را بازداشـــت کـــرد و به تحقیق از وی درباره حادثه پرداخت از این حکایت داد که حدود ساعت ۱۱دیروز، نگهبان بانک ملی با معاون بانک دچار درگیری لفظی می‌شـــوند. اختلاف آنها اما به‌مدت‌ها قبل برمی‌گردد و آنطور که نگهبان بانک اعتراف کرده، معاون بانک بارها بر سر مسائل کاری او را سرزنش کرده و همین باعث شده بود که با هم دچار اختلاف شوند.

از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که نگهبان بانک که مردی حدودا ۵۰ساله است، از چند سال قبل و پس از بازنشسته شدن پیش از موعد در یکی از ارگان‌های نظامی، به استخدام شرکت انتظام درآمده بود؛ همان شرکتی که وظیفه تامین نگهبان برای بانک ملی بابلسر را به‌عهده داشـــته اســـت. به این ترتیب وی به‌عنوان نگهبان کارش را در بانک ملی آغـــاز می‌کند تا اینکه از مدتی قبل با معاون بانک بر ســـر مسائل کاری دچار اختلاف می‌شود. این در حالی است که به گفته شاهدان، نگهبان میانســـال، فردی عصبی بوده و حتی یکی از اعضای خانواده‌اش نیز دچار بیماری عصبی است.

روز حادثه

آنطور که تحقیقات پلیس نشان می‌دهد، حدود ساعت ۱۱دیروز، نگهبان و معاون بانک بار دیگر بر سر مسائل کاری با هم درگیری لفظی پیـــدا می‌کنند. این اتفاق همزمان می‌شـــود با ورود آیت‌الله عباسعلی سلیمانی، عضو مجلس خبرگان رهبری به بانـــک. او برای انجام کارهای بانکی‌اش وارد بانک شـــده و روی صندلی‌ای که مقابل میز معاون بانک بود به انتظار وی می‌نشیند. در آن لحظات هر چند درگیری لفظی میان نگهبان و معاون بانک پایان یافته، اما نگهبان میانسال در حالی که عصبانی است و اسلحه در دست دارد، شروع به قدم زدن در داخل بانک می‌کند. نگهبان بانک در تحقیقات توضیح داده است: من مقتول را نمی‌شناختم. اما قبلا شنیده بودم که معاون بانک برادری روحانی دارد. برای همین وقتی با معاون بانک درگیر شده بودم و مقتول وارد بانک شد، تصور کردم که وی همان برادر روحانی معاون بانک اســـت. از طرفی آنقـــدر عصبانی بودم که کنترلم را از دست دادم و به تصور خودم تصمیم گرفتم با قتل برادر معاون بانک از او انتقام بگیرم. از پشت سر به او که روی صندلی نشســـته بود نزدیک شدم و لوله سلاحم را به ســـمت وی گرفتم و شلیک کردم. پس از آن نیز همان‌جا خشکم زد تا اینکه بقیه کارمندان بانک به ســـمتم آمدند و خودم را تسلیم کردم و آنجا بود که متوجه شدم مقتول را با برادر معاون بانک اشتباه گرفته و اقدام به شـــلیک کرده و در حقیقت فرد دیگری را به جای برادر معاون بانک به قتل رسانده‌ام.

براســـاس این گزارش، عامل جنایت پس از این حادثه دستگیر شده و تحقیقات از او همچنان از سوی پلیس و مرجع قضایی ادامه دارد.

لحظه جنایت و دستگیری قاتل

دختر جوان به اتهام قتل دوستش دستگیر شد

خوکچه هندی، سرنخی در پرونده قتل دختر جوان

دادسرا

تحقیقات جنایی درباره قتل دختر جوانـــی در پـــارک نهـــج البلاغه با شناسایی یکی از دوستانش به‌عنوان مظنـــون وارد مرحلـــه تازه‌ای شـــد. بـــه گزارش همشهری، روز دوم اسفندماه ســـال ۱۴۰۱یکی از شهروندان هنگامی که از یکی از بخش‌های خلوت پارک نهج البلاغه واقع در غرب تهران عبور می‌کرد از پشت شمشادها صدای ناله ضعیفی را شنید. وقتی شمشـــادها را کنار زد دختر جوانی را دید که بر اثر اصابت ضربـــات چاقو به‌شـــدت مجـــروح و دچار خونریزی شـــده بود. او با اورژانس تماس گرفت اما امدادگران وقتی رســـیدند که دختر جوان به‌دلیل شدت جراحات وارده جانش را از دست داده بود. از همان زمان تلاش‌ها برای رازگشـــایی از این جنایت مرموز آغاز شد و کارآگاهان جنایی از طریق گوشی موبایل مقتول موفق شدند هویت او را کشف کنند. دختر جوان ۱۸سال داشت و آنطور که خانواده‌اش می‌گفتند هنگام خروج از خانه گفته بود که با یکی از دوســـتانش در پـــارک قـــرار دارد امـــا هیچ‌کس نمی‌دانست که این فرد چه‌کسی است.

با وجود اینکه هیچ ســـرنخی در این جنایت وجود نداشت ولی کارآگاهان به چند نفر مظنون شدند و به تحقیق از آنها پرداختند اما تحقیق و بررسی اظهارات همه مظنونان نشـــان داد که همگـــی بی‌گناهند. با وجود این، تجسس‌ها در شـــاخه‌های دیگری ادامه یافت.

در ادامه مأموران به تحقیق درباره زندگی خصوصی مقتول پرداختند و پی بردند کـــه او از یک خوکچه هندی به‌عنوان حیوان خانگـــی نگهداری می‌کرد. همچنین معلوم شد که او به‌خاطر این حیوان خانگی با دختر جوانی دوست شـــده بود که او نیز خوکچه هندی داشت و به همین دلیل رابطه آنها صمیمی‌تر شده بود. ادامه بررسی‌ها در این‌باره حاکی از آن بود که دوســـت مقتول مدتی قبل از او مبلغ ۲میلیون تومان قرض گرفته اما به او پـــس نداده بود و همین موضوع بـــه اختلافی بین آنها تبدیل شـــده و حتی چند مرتبه کار بـــه زد و خورد بیـــن ۲ دختر جوان کشیده شده بود. از ســـوی دیگر شواهدی به‌دست آمد که نشان می‌داد دوست مقتول مدتی پیش در صفحه اینستاگرامی‌اش یک استوری با این مضمون که: «هیچ‌کس نقشـــه قتل را قبل از عملی شدن لو نمی‌دهد» منتشر کرده بود. کنار هم قرار دادن این یافته‌ها باعث شد که دستور بازداشت دوست مقتول صادر شـــود. وقتی دختر جوان درباره دست داشتن در جنایت در پارک نهج‌البلاغه تحت بازجویی قرار گرفت، قتل دوستش را انکار کرد و گفت بی‌گناه است.

او در این تحقیقات به قاضی محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی گفت: ما چون هر دو خوکچه هندی داشتیم با یکدیگر دوست شده بودیم و مدام با هم تماس داشتیم. حتی خوکچه‌های‌مان را با هم به دامپزشکی می‌بردیم و دلیلی نداشت که بخواهم دست به چنین کاری بزنم.

او در ادامه گفت: شب حادثه یکی از دوستانم با من تماس گرفت و این موضوع را خبـــر داد. خودم هم وقتی استوری دوستان مشترک‌مان را کنترل کردم فهمیدم که این دوستم در پارک به قتل رسیده است. من بی‌گناه هستم و دوستم را نکشته‌ام.

براساس این گزارش با وجود انکارهای دختر جوان، او هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

نجات دختر ۱۳ساله از مخفیگاه آدم‌ربایان

انتظامی

جوان افغـــان کـــه در گروهی تلگرامـــی با دختری ۱۳ســـاله طرح دوســـتی ریخته بـــود، با همدستی چند نفر دیگر او را ربوده و به خانه‌ای متروکه در قزوین کشاندند.

به گزارش همشـــهری، چنـــد روز قبل مردی به دادســـرای امور جنایـــی تهران رفـــت و از ناپدیدشدن دختر ۱۳ســـاله‌اش خبر داد. او با معرفی جوانی افغان به‌عنوان مظنون به ربودن دخترش گفت: دخترم ۱۳ســـال دارد. مدتی قبل جوانی در یک گروه تلگرامی برای دخترم پیام فرستاده و به او پیشنهاد دوستی داده بود. دخترم اما به درخواســـت او جواب منفی داده بود و بعد هم ماجرا را برای من تعریف کرد. من هم وقتی از این ماجرا باخبر شـــدم شماره پسر جوان را که از اتباع افغانستان است گرفتم و با او صحبت کردم. گفتم دخترم سن کمی دارد و دست از سر او بردارد. در این تماس تلفنی پسر جوان حرف‌هایم را قبول کرد و گفت که دیگر به دخترم پیام نمی‌دهـــد. من هم حرف‌هایش را باور کردم و خیالم از این بابت راحت شـــد تا اینکه یک هفته بعـــد دخترم گفت که او دوباره پیام داده و این بار تهدید کرده اســـت. دخترم گفت که جوان افغان گفته که چرا این ماجرا را برای پدرت تعریف کردی و تهدید کرده بود که بلایی بر سرت می‌آورم و یک روز بعد هم دخترم ناپدید شد.

با ثبت این شـــکایت شـــماره تلفن پسر جوان به‌عنوان تنها مظنـــون در اختیـــار پلیس قرار گرفته و تحقیقات در این‌باره آغاز شد. زمانی که مأموران به بررســـی این شماره تلفن پرداختند معلوم شد که خط تلفن به نام مردی ایرانی است. او در تماس مأموران گفـــت: جوان افغان کارگر من اســـت و در آبیک قزوین کار می‌کند. به این ترتیب صاحب خط تلفن نشـــانی محل کار این جوان را در اختیار پلیس قرار داد و مأموران برای یافتن دختر ربوده شده راهی آنجا شدند. آنها با محاصره خانه متروکه‌ای که جوان افغان در آنجا حضور داشت عملیاتی ضربتی را اجرا کردند و با ورود به خانه دختر ربوده شده را آزاد و جوان افغان را همراه با ۲ نفر از دوســـتانش دستگیر کردند.با وجـــود اینکه همه شـــواهد و مدارک از ربوده شدن دختر ۱۳ســـاله حکایت داشت؛ اما جوان افغان مدعی بود کـــه با دختر نوجوان دوست است و او به خواســـت و میل خودش به آنجا رفته است.

از سوی دیگر وقتی مأموران به تحقیق از دختر ربوده شـــده پرداختند او برخلاف ادعای جوان افغان ادعا کرد که ربوده شده است. او در این‌باره گفت: نزدیک خانه‌مان بودم که مادرم با موبایلم تماس گرفت. گفتم نزدیک هستم و به‌زودی به خانه می‌رسم اما ناگهان پسر جوان و دوستانش سر راهم قرار گرفتند و چاقو زیر گلویم گذاشتند و به زور من را سوار خودروی‌شان کرده و با خود بردند. آنها من را به خانه‌ای بردند و شـــب نگه داشـــتند و صبح روز بعد به خانـــه‌ای در آبیک قزوین بردنـــد. چند ســـاعتی از انتقالم به آنجا نگذشته بود که خوشـــبختانه مأموران پلیس سر رسیدند و نجاتم دادند.براساس این گزارش، هم‌اکنون ۳متهم در بازداشـــت به‌سرمی‌برند و تحقیقات برای روشن‌شـــدن پشت پرده واقعی این ماجرا ادامه دارد.

اصرار برای قصاص قاتل وحید مرادی

داخلی

جلسه‌ای که برای صلح و سازش در پرونده قتـــل وحید مـــرادی در دادسرای امور جنایی تهران برگزار شـــده بود با اصرار پدر مقتول برای مجازات قاتل بی‌نتیجه ماند تا شـــمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شود.

به گزارش همشـــهری، روز ۱۱ تیرماه سال ۹۷ در جریان درگیری بین ۲ گروه از زندانیان در یکی از بندهای زندان رجایی شـــهر، یکی از زندانیان به نام وحید مرادی به قتل رسید. او از چندی قبل به اتهام قتل یکی از دوستانش در منطقـــه ولنجک تحـــت تعقیب قرار گرفته و در شرایطی که قصد داشت از مرز عبور کند در آخرین لحظات دستگیر شـــد. به دنبال قتل این زندانی تحقیقات برای شناسایی عامل اصلی این جنایت آغاز شد. هرچند در بررسی‌های اولیه چند مظنون شناسایی شده بودند؛ اما در ادامه معلوم شد که یکی از آنها به نام سعید، عامل اصلی قتل است. او مردی بود که از ۲ ســـال پیش از این حادثه به اتهام قتـــل مردی با اسلحه شکاری در منطقه بی‌سیم به زندان افتاده بود تا اینکه در جریان درگیری با وحید مـــرادی او را نیز به قتل رســـاند تا دومین جنایت در پرونده اش به ثبت برسد. سعید به اتهام ۲ فقره قتلی که مرتکب شده بود محاکمه و بـــه قصاص محکوم شد؛ اما چندی قبل توانست رضایت اولیای دم قتـــل اول را جلب کند. بـــا این وجود همچنان حکم قصـــاص او در پرونده قتل وحید مرادی پابرجـــا و قطعی بود. در این شـــرایط روز گذشته جلســـه ای برای صلح و ســـازش در این پرونده در شـــعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران برگزار شـــد. در این جلسه که از یک سو پدر وحید مرادی به‌عنوان ولی دم و از ســـوی دیگر مادر و خواهر سعید حضور داشتند قاضی پرونده به گفتگو با طرفین پرداخت و تلاش کـــرد در این پرونده صلح و سازش ایجاد کند اما با مخالفت ولی دم روبه‌رو شد. در شرایطی که مادر و خواهر سعید اشک می‌ریختند و برای بخشیده شدن او التماس می‌کردند، پدر وحید مرادی گفت: بعد از قتـــل وحید ما روزهای سختی را پشت سر گـــذاشتـــیم. ۵ سال است که من یتیـــم‌داری و از نوه‌ام نگهداری می‌کنـــم. نه من و نه همســـر و عروسم راضی به بخشش نیستیم و نمی‌توانیم از خون وحید بگذریم.

هرچند دادیار اجرای احکام این جلسه را برای ایجاد صلح و سازش تشـــکیل داده بود اما با اصرار پدر مقتول برای اجرای حکم این جلسه بی‌نتیجه ماند و با وجود اینکه سعید در اولین پرونده بخشـــیده شده اما شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شد.

کوتاه از حادثه

مرگ آتشین خواستگار شکست خورده

پســـر جوان وقتی از دختر مورد علاقه‌اش جواب رد شنید در اقدامی هولناک با مقدار زیادی بنزین به خانه آنها رفت و علاوه بر آتش زدن بخشـــی از خانه دست به‌خودسوزی زد. به گزارش همشهری، ساعت ۵ بامداد دیروز (چهارشنبه) به کلانتری ۱۲۷ نارمک خبر رســـید که خانه‌ای در آن حوالی دچار آتش‌سوزی شده و دست‌کم ۳نفر نیز دچار سوختگی شـــده‌اند. آنطور که شواهد نشان می‌داد این حادثه یک آتش‌سوزی معمولی نبود و به‌نظر می‌رسید که به شکل عمدی اتفاق افتاده است. با حضور ماموران در محل حادثه معلوم شـــد، پسری ۳۲ساله که عامل اصلی آتش‌سوزی است، جان خود را از دست داده و مادر و پسری که در آن خانه سکونت داشتند نیز دچار سوختگی شده‌اند. اما این حادثه چگونه اتفاق افتاده بود؟ ماجرا از این قرار بود که پسر جوان(متوفی) از مدتی قبل به دختری علاقه‌مند شده بود و قصد داشت به هر قیمتی که شده با او ازدواج کند. او در یک مغازه کار می‌کرد و شب قبل از حادثه به خواستگاری دختر مورد علاقه‌اش رفته اما جواب منفی شـــنیده بود. دختر جوان ظاهرا رفتاری ناخوشایند از پســـر جوان دیده و گفته بود که به‌نظرم ما به درد زندگی با یکدیگر نمی‌خوریم.

شـــنیدن این جواب برای پسر جوان سخت و ســـنگین بود. او نمی‌دانست با این شکست چطور کنار بیاید و فکرهای زیادی از سرش گذشت تا اینکه ســـرانجام فکر عجیب و خطرناکی به فکرش رسید. او یک ظرف بنزین تهیه کرد و ساعت ۵صبح به خانه دختر مورد علاقه‌اش رفت و بنزین را روی خودش ریخت و درحالی که یک فندک در دست داشـــت شروع به فریاد کرد. مادر دختر جوان وقتی این صحنه را دید جلو رفت تا فندک را از دست پسر بگیرد اما موفق نشد و جرقه فندک آتش به پا کرد و علاوه بر جوان عاشق پیشه، مادر دختر جوان و بخشی از خانه نیز شعله‌ور شدند. در این لحظات وحشتناک بود که برادر دختر جوان نیز جلو رفت تا برای نجات مادرش اقدام کند اما او نیز دچار سوختگی شـــد و درنهایت این حادثه تلخ با جان‌باختن جوان عاشق پیشه و سوختگی مادر و برادر دختر جوان و آتش‌سوزی در بخشی از خانه‌شان به پایان رسید. به‌دنبال این حادثه به دستور قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات در این‌باره آغاز شد. از سوی دیگر سرهنگ محمد گودرزی، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت نیز روایتی دیگر از این حادثه را بازگو کرد و گفت: پسر جوان شب قبل از حادثه بعد از شنیدن جواب منفی اعضای خانواده دختر را به گرفتن انتقام تهدید کرده بود و هنگام وقوع حادثه نیز به بهانه صحبت وارد خانه آنها شده بود که این حادثه رقم خورد. او ادامه داد: پســـر جوان پس از آتش زدن منزل که منجر به سوختگی کامل آنجا شد خودش نیز در میان شعله‌های آتش گرفتار شده و جانش را از دست داد.

براســـاس این گزارش وضعیت یکی از مصدومان حادثه وخیم گزارش شده و تحقیقات برای روشن شـــدن ابعاد مختلف این حادثه همچنان ادامه دارد.

۲قربانی در درگیری طایفه‌ای

به‌دنبـــال درگیری طایفه‌ای در شهرســـتان دشـــت آزادگان و کشته‌شـــدن ۲نفر در این حادثه، ۱۴نفـــر از عاملان اصلی این درگیری مسلحانه دستگیر شـــدند. به گزارش همشهری، چند روز پیش در شهرســـتان دشت آزادگان در اســـتان خوزستان درگیری هولناکی رخ داد. اعضای ۲طایفه که از مدت‌ها قبل با هم اختلافاتی داشتند درحالی که برخی از آنها اسلحه در دست داشتند با هم درگیر شدند و نتیجه این درگیری کشته شدن ۲نفر و مجروح شدن ۲نفر دیگر شد. به‌دنبال این حادثه، مأموران پلیس در محل حاضر شدند و با پایان یافتن درگیری و بازگشت آرامش به شهر تحقیقات برای شناسایی و دســـتگیری عاملان اصلی درگیری آغاز شد. سرهنگ جواد مروانه، فرمانده انتظامی دشت آزادگان با بیان این خبر گفت: ۴۸ســـاعت پس از این درگیری مرگبار، با انجام تحقیقات گسترده پلیسی ۱۴نفر از عوامل اصلی درگیری دستگیر شدند و از آنها ۴قبضه سلاح شکاری کشف شد. به گفته وی، با دستگیری این افراد، برای تمامی آنها قرار قانونی صادر شده و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

۱۵زن باند کلاهبرداری راه انداخته بودند

۱۵زن که با راه‌اندازی یک باند از بیش از ۸۰۰نفر کلاهبرداری کرده و بیش از ۳میلیارد تومان به جیب زده بودند به دام پلیس افتادند. به گزارش همشهری، شگرد اعضای این باند اینگونه بود که با شماره تلفن‌های تصادفی تماس می‌گرفتند و به طعمه‌هایشان می‌گفتند که شماره تلفن آنها در قرعه‌کشی یکی از شرکت‌های لوازم خانگی برنده شده است. آنها مدعی می‌شدند که جایزه این قرعه‌کشـــی لوازم خانگی از جمله یخچال‌های سایدبای‌ساید یا خودرو است اما هزینه ارسال جایزه برعهده فرد برنده است. به این ترتیب برای طعمه‌هایشان لینکی ارسال می‌کردند و مدعی می‌شدند که آنها باید از طریق این لینک، هزینه حمل جایزه را پرداخت کنند تا ظرف مدت کوتاهی جایزه خود را تحویل بگیرند. حال آنکه لینک ارسالی آنها در حقیقت یک لینک جعلی بود که به محض اینکه طعمه‌ها اطلاعات بانکی خود را در این لینک وارد می‌کردند، این اطلاعات را کپی کرده و در اختیار کلاهبرداران قرار می‌داد و آنها از این طریق حساب طعمه‌شان را خالی می‌کردند. در برخی از موارد نیز آنها مبالغی به‌عنوان وجه ارســـال هدیه از طعمه‌هایشان دریافت می‌کردند اما هیچ هدیه‌ای برای آنها ارسال نمی‌کردند. کلاهبرداری‌های این باند ادامه داشت و آنها موفق شده بودند حساب صدها نفر را با این شگرد خالی کنند تا اینکه با شکایت شاکیان در پلیس فتای استان البرز، تیمی از مأموران برای شناسایی و دســـتگیری آنها وارد عمل شدند. مأموران در جریان بررسی‌های تخصصی موفق شـــدند اعضای این باند را شناسایی کنند و در جریان چند عملیات ضربتی، ۱۵زن را که عضو باند بودند دستگیر کردند. سرهنگ رسول جلیلیان، رئیس پلیس فتای استان البرز با بیان این خبر گفت: تاکنون ۸۰۰شاکی از سراسر کشور شناسایی شده‌اند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که متهمان دست‌کم ۳میلیارد تومان از طعمه‌هایشان کلاهبرداری کرده‌اند که تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.